



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

رویه‌های موثر

برای تعامل بانک‌ها با موسسات

با اهرم مالی بالا

(ژانویه ۱۹۹۹)

ترجمه: صدیقه رهبر شمس‌کار

گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری

فروردین ۱۳۸۶

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	یادداشت مترجم
۱	۱- پیشگفتار
۳	۲- مقدمه
۵	۳- بانک‌ها در تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا و استراتژی کلی ریسک اعتباری آن‌ها
۷	۴- گردآوری اطلاعات، شناسایی کافی مشتریان و تجزیه و تحلیل موسسات با اهرم مالی بالا
۱۰	۵- اندازه‌گیری منابع در معرض خطر
۱۳	۶- تعیین حدود
۱۴	۷- وثیقه، خاتمه زودتر از موعد و سایر مواد قرارداد
۱۸	۸- مراقبت مستمر وضعیت‌ها در رویارویی با موسسات با اهرم مالی بالا
۲۱	فهرست منابع

«بسمه تعالی»

یادداشت مترجم

آنچه، این نوشتار به بررسی آن می‌پردازد افزایش نقش موسسات با اهرم مالی بالا در بازارها و در پی آن افزایش مقدار ریسکی است که بانک‌های ارائه دهنده خدمات اعتباری به آن موسسات متحمل می‌شوند. کاستی‌های نظارتی و نبود مقررات مناسب در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا به ویژه، عدم شفافیت اطلاعات مربوط به آن‌ها، منشأ عمده مشکلات ناشی از تعامل با آن موسسات محسوب می‌گردند، که نهایتاً موجب می‌شوند ارائه دهندگان خدمات اعتباری نتوانند به تصویری واقعی از وضعیت ریسک موسسات مورد بحث دست یابند و در نتیجه با مخاطراتی پیش‌بینی نشده مواجه شوند.

موسسات با اهرم مالی بالا در سند منتشره توسط کمیته نظارت بر بانکداری بال با ویژگی‌هایی هم‌چون تابع مقررات نظارتی نبودن (به طور کامل یا محدود)، برخورداری از الزامات محدود افشای اطلاعات و قابل ملاحظه بودن اهرم مالی تعریف شده‌اند. سند منتشره تلاش دارد توجه بانک‌ها را به مخاطرات ناشی از این ویژگی‌ها جلب نموده، آن‌ها را تشویق نماید که با تقویت سیستم‌های مدیریت ریسک به تناسب آنچه لازمه مراقبت موثر از روابط با این گونه موسسات است به رویارویی با مخاطرات و کنترل هرچه بیشتر آن بپردازند.

آنچه در مجموع ضرور می‌نماید وجود بسترهای قانونی مناسب، همراهی و هم‌سویی مقام‌های نظارتی و اراده آن‌ها برای تدوین مقررات احتیاطی و نیز تقویت نظارت است.

رویه‌های موثر

برای تعامل بانک‌ها با موسسات با اهرم مالی بالا

ژانویه ۱۹۹۹

۱- پیشگفتار

در سال‌های اخیر، فعالیت‌های موسسات دارای اهرمی مالی بالا^۱ از نقطه نظر اندازه و پیچیدگی با رشدی فزاینده مواجه بوده است، گستره تعامل بین موسسات مذکور با بانک‌ها و شرکت‌هایی که داد و ستد اوراق بهادار را انجام می‌دهند و نیز با جریان‌های اصلی موسسات مالی در حال گسترش است و این تأکیدی بر ضرورت شناخت کامل و مدیریت مخاطراتی است که در نتیجه فعالیت این نوع موسسات ایجاد می‌گردد. هم‌چون سایر متقاضیان دریافت وام و طرف‌های مقابل، بانک‌ها و واسطه‌های مالی، نقش عمده‌ای برای تخصیص اعتبار به این موسسات ایفا می‌کنند. البته در مورد موسسات با اهرم مالی بالا، با توجه به ابهام موجود در مورد فعالیت‌هایشان، اتکای قابل ملاحظه آن‌ها به وام، طبیعت پویای موقعیت تجاری و در بعضی از موارد تأثیر بازار آن‌ها به ویژه، می‌تواند چالش برانگیز باشد. کمیته نظارت بر بانکداری بال اذعان می‌دارد که نه همه بانک‌ها با این گونه موسسات سر و کار دارند و نه همه آنها نسبت به این موسسات منابع در معرض خطر بالایی دارند، ولی چنین می‌نماید که در پی ورشکستگی صندوق پوششی LTCM، در سپتامبر ۱۹۹۸، بیشتر بانک‌هایی که نسبت به موسسات با اهرم مالی بالا، منابع در معرض خطر قابل توجهی داشتند، با بازنگری معیارهای وام‌دهی خود، آن را سختگیرانه‌تر نمودند. انگیزه اصلی برای انتشار این گزارش حصول اطمینان از بهبود استانداردهای اعتباری و فرآیندهای مدیریت ریسکی است که طی زمان و براساس تجربه شکل می‌گیرند و این که تجربیات بانک‌ها در این رهگذر، در مدیریت روابط اعتباری با طرف مقابل به طور کلی تر منظور شود.

1 - Highly Leveraged institutions.

مبانی مدیریت ریسک اعتباری در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا، به طور کلی همان مبانی مدیریت ریسک اعتباری است ولی باید ریسک انواع خاص مخاطرات مرتبط با این موسسات را نیز منظور کرد. کمیته بال به طور خلاصه اصولی کلی را برای مدیریت ریسک اعتباری منتشر نمود. این گزارش باید به عنوان مکمل گزارش مذکور و در واکنش به چالش‌های خاص ناشی از تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا تلقی شود. بررسی کمیته بال در مورد بانک‌هایی که با این نوع موسسات سر و کار دارند نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد بین عوامل اصلی در فرآیند مدیریت ریسک اعتباری و اتکای بیش از حد به وثیقه‌گیری منابع در معرض خطری که به قیمت بازار قیمت‌گذاری می‌شوند توازن مناسب وجود ندارد. در تجزیه و تحلیل‌های اعتباری طرف‌های مقابل (موسسات با اهرم مالی بالا) هنگام اندازه‌گیری مدیریت موثر منابع در معرض خطر، به آنها وزن کافی داده نشده است. با این وجود، در بعضی موارد، فشارهای رقابتی و تمایل به انجام تجارت با طرف‌های مقابل عمده ممکن است سبب شود بانک‌ها نسبت به استانداردهای اعتباری گسترده شرکتی خود استثنائاتی قابل شوند.

منابع در معرض خطر طرف مقابل، در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا می‌تواند به شکل‌های متفاوت، مثل اعتبارات تضمین شده و تضمین نشده ناشی از قراردادهای زیرخط ترازنامه باشد ویژگی‌های الزامات ابزارهای مشتقه در بازار در سال ۱۹۹۴ توسط بانک‌های مرکزی کشورهای عضو گروه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به دنبال این بررسی، کمیته بال دستورالعمل مدیریت ریسک را برای آن گروه از ابزارهای مشتقه‌ای که در معاملات در بازارهای خارج از بورس (OTC)^۱، منشاء انواع مخاطرات نسبت به طرف مقابل شناخته شدند منتشر نمود و برای هر نوع ریسک، رویه‌های مناسب را مورد بررسی قرار داد. در سپتامبر ۱۹۹۸، کمیته سیستم‌های پرداخت و تسویه با همکاری کمیته استقرار یورو، گزارشی را در مورد رویه تسویه و مدیریت ریسک طرف مقابل در رابطه با ابزارهای مشتقه در بازار خارج از بورس (OTC) منتشر نمود که

1 - Over the Counter.

تجزیه و تحلیل کاملی از خط مشی‌ها و رویه‌های به کار رفته توسط معامله‌گران در بازارهای OTC ارائه می‌کند.

هرجا ضرورت ایجاب می‌نمود، مطالعات مقدماتی همراه با سایر بررسی‌های انجام شده مخاطرات ویژه‌ای را که موسسات با اهرم مالی بالا متوجه بانک می‌کردند مدنظر قرار داده و در دستورالعمل اعمال نمودند.

کمیته بال رویه‌های موثر را برای ناظران، بانک‌ها و طرف‌های ذینفع در سراسر دنیا ارسال می‌دارد با این دیدگاه که آنها برای بهبود بیشتر رویکردهای احتیاطی در رابطه با ارزیابی، اندازه‌گیری و مدیریت منابع در معرض خطر اعتباری در برابر موسسات با اهرم مالی بالا، برای بانک‌ها انگیزه ایجاد کنند. کمیته از دست‌اندرکاران صنعت مالی دعوت می‌نماید که استانداردها و رویه‌ها را ارزیابی کنند و نسبت به پیشنهادها واکنش نشان دهند. کمیته ناظران را ترغیب می‌کند اجرای رویه‌های موثر توسط بانک‌ها در رابطه با این موسسات را با اهمیت تلقی نمایند. کمیته درصدد تاکید بر ضرورت مدیریت موثر ریسک داخلی، از جمله مدیریت موثر ریسک اعتباری طرف مقابل، برای انجام عملیات احتیاطی بانک است. در رابطه با تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا، مدیریت موثر ریسک کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که موسسات مذکور، مخاطرات و بدهی بیش از حد را متقبل نمی‌شوند. با این حال، اگر چنانچه موسسه‌ی مهمی که از جمله موسسات با اهرم مالی بالایی است، به تعهدات خود عمل نکند مدیریت موثر ریسک طرف مقابل، در حد قابل توجهی می‌تواند تاثیراتی مثل ایجاد بی‌ثباتی ناشی از مثلاً پرداخت‌های سریع بدهی و تسویه در بازارها را محدود کند. در مجموع، مدیریت اعتباری موثر و اعمال رویه‌های کنترلی توسط طرف‌های مقابل موسسات با اهرم مالی بالا باید از طریق کاهش ظرفیت منابع در معرض خطر بازار به ثبات بیشتر سیستم مالی کمک کند.

۲- مقدمه:

این گزارش استانداردهای مناسب را برای مدیریت ریسک اعتباری مربوط به

فعالیت‌های اوراق مشتقه و تجاری موسسات با اهرم مالی بالا مشخص می‌کند. توصیه‌های مطرح شده در این گزارش روابط با موسسات با اهرم مالی بالا را - که به شرح ذیل قابل تعریف می‌باشند - شامل می‌شود:

- ❖ این موسسات، موسسات مالی بزرگی هستند که اصولاً تحت مقررات نظارتی قرار نداشته یا تابع مقررات نظارتی بسیار محدودی می‌باشند.
- ❖ الزامات افشای اطلاعات بسیار محدودی دارند.
- ❖ اهرم مالی قابل ملاحظه‌ای دارند.

در این گزارش، اهرم مالی، نسبتی بین ریسک و سرمایه است. این نسبت، منابع در معرض خطر موسسات با اهرم مالی بالا را نسبت به نوسانات قیمت‌های بازار افزایش می‌دهد. در نتیجه، می‌تواند اعتباردهندگان را در معرض خطر قابل توجهی از ناحیه طرف‌های مقابل آنها قرار دهد. صندوق‌های پوششی در حال حاضر مثال بارز تعریف ارائه شده در فوق هستند. ولی باید دو نکته را در نظر داشت یکی این که بسیاری از این صندوق‌ها بدهی بالایی ندارند و دیگر این که برای سایر موسسات هم ممکن است همان شرایطی پیش بیاید که برای با موسسات با اهرم مالی بالا رخ می‌دهد.

در عین حال که این گزارش توجه خود را به مدیریت ریسک اعتباری ناشی از تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا معطوف داشته، ولی نکات مطروحه در این رابطه منحصر به تعامل با چنین موسساتی نیست. البته هدف این نیست که بررسی کاملی از رویه‌های کلی‌تر مدیریت ریسک اعتباری ارائه شود. رویه‌های موثری که در اینجا بیان می‌شود به طور ویژه به حوزه‌های ذیل می‌پردازد:

۱- ایجاد خط مشی‌ها و رویه‌های شفاف به عنوان بخشی از کلیت ریسک اعتباری برای بانک‌هایی

که با موسسات با اهرم مالی بالا سر و کار دارند.

۲- گردآوری اطلاعات، شناسایی کافی و تجزیه و تحلیل فعالیت‌های موسسات با اهرم مالی بالا،

مخاطرات و عملیات آن‌ها.

۳- اندازه‌گیری دقیق‌تر منابع در معرض خطر ناشی از عملیات تجاری و ابزارهای مشتقه.

۴- تعیین حدود اعتباری کلی و معنی‌دار برای موسسات مورد بحث.

۵- پیوند بین ابزارهای ارتقا دهنده اعتباری (کاهنده ریسک) مانند وثیقه و ذخایر، با ویژگی‌های

خاص موسسات با اهرم مالی بالا.

۶- کنترل شدید منابع در معرض خطر اعتباری در برابر موسسات با اهرم مالی بالا، شامل

فعالیت‌های تجاری آن‌ها، تمرکز خطر، اهرم مالی و فرآیندهای مدیریت ریسک.

بخش دوم و سوم با جزئیات بیشتری به موضوعات مربوط به مدیریت ریسک

اعتباری می‌پردازد.

۳- بانک‌ها در تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا و استراتژی کلی ریسک اعتباری آن‌ها.

هر بانک، قبل از انجام داد و ستد با موسسات با اهرم مالی بالا، باید سیاست شفافی اتخاذ کند

تا هماهنگ با استراتژی کلی ریسک اعتباری، عملیات خود را با این موسسات پیش برد. بانک‌ها باید

اطمینان یابند که هنگام انجام معاملات با موسسات با اهرم مالی بالا، مدیریت ریسک آن موسسات از نظر

کفایت و سازگاری در سطح مناسبی قرار دارد.

در شرایط کلی، هر بانک باید استراتژی ریسک اعتباری شفافی داشته باشد.

فرآیند مدیریت ریسک اعتباری باید به تصویب هیات مدیره رسیده و توسط مدیریت

ارشد اجرا شود. استراتژی ریسک اعتباری می‌بایست درجه ریسک‌پذیری بانک و امکان

جایگزینی بازده ریسک مطلوب با ترکیبی از محصولات و بازارها را مشخص کند. در این

مقوله، بانک باید بررسی کند آیا انجام معاملات با موسسات با اهرم مالی بالا با استراتژی ریسک

اعتباری، خط‌مشی‌ها و درجه ریسک‌پذیری و اهداف تنوع‌گرایی آن از هم سویی برخوردار است. اگر

چنین است، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها برای تعامل با این موسسات باید طوری طرح‌ریزی شود تا چنین

روابطی به طور موثر کنترل شوند. این خط‌مشی‌ها و رویه‌ها باید فرآیند اعتباری را پیش برده و روابط با

این موسسات را کنترل نمایند و نباید تحت تأثیر فشارهای رقابتی نادیده گرفته شوند.

فرآیند مدیریت موثر ریسک شامل مستندسازی جامع اطلاعات مالی، شناسایی

کافی و موثر موسسات، استفاده از کاهنده‌های ریسک مثل وثیقه و تعهدات پرداخت

روش‌هایی برای اندازه‌گیری منابع در معرض خطر جاری و آتی، فرآیند موثر تعیین حد و کنترل مستمر منابع در معرض خطر شرکت‌ها و تغییر وضعیت مخاطرات طرف مقابل است. ارتقای این استانداردها به ویژه، هنگام تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا زمانی که اطلاعات، محدود و نسبت اهرمی بالا باشد از اهمیت برخوردار است زیرا وضعیت ریسک می‌تواند به سرعت اصلاح شود.

زمانی که مسائل مهم اعتباری در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا شناسایی شوند، بانک یا باید انجام معاملات با آن موسسه را متوقف کند یا برای محدود کردن و مدیریت منابع در معرض خطر به نحوی که با استانداردهای کلی و درجه ریسک‌پذیری آن هم‌خوانی داشته باشد اقدامات مناسبی انجام دهد.

آن گروه از موسسات با اهرم مالی بالا که برای انجام ارزیابی اعتباری معنی‌دار، یا اطلاعات کافی ارائه نمی‌کنند یا به نسبت، در مقایسه با سایر طرف‌های مقابل، اطلاعات کمتری درباره وضعیت ریسک خود عرضه می‌نمایند - از جمله اعلام سطح بالاتری از سود ناخالص، عدم اعلام آستانه زیان، پذیرش محدودتر دارایی‌های قابل قبول برای اهداف وثیقه‌ای یا دریافت کمتر دیگر تضمین‌های مالی - باید با شرایط اعتباری دشوارتری مواجه شوند.

موفقیت بلندمدت روابط اعتباری بانک تا حد زیادی در گرو اثربخشی و پیچیدگی مدیریت ریسک است. این مدیریت برای بانک‌هایی است که مخاطرات اعتباری ناشی از ابزارهای مشتقه و سایر معاملات تجاری مانند قراردادهای بازخرید و وام‌دهی برای خرید اوراق بهادار و نیز برای بانک‌هایی است که تامین وجوه را از طریق اعطای وام، خطوط اعتباری یا مشارکت سهامی با موسسات مذکور انجام می‌دهند.

پذیرش منابع در معرض خطر اعتباری نیازمند کنترل طرف مقابل، متناسب با اندازه آن منابع است. کنترل موثر فعالیت‌های موسسه با اهرم مالی بالا مستلزم آگاهی و شناخت کامل راهبردهای تجاری، سطوح منابع در معرض خطر، تمرکزها و کنترل ریسک

آن است. اتکای به وثیقه در عین حال که به کاهش خطر اعتباری طرف مقابل کمک می‌کند نمی‌تواند جایگزینی برای مدیریت و کنترل روز به روز باشد. وثیقه‌گیری‌های کامل و به قیمت روز هم توان آن را ندارند که اکسپوژرها نسبت به مخاطرات ثانویه (مثل کاهش ارزش اوراق بهاداری که به عنوان وثیقه در رهن قرار می‌گیرند) را در بازاری ملتهب که مواجه با عدم ایفای تعهدات یا بی‌نظمی‌های ناشی از تسویه یک موسسه مهم با اهرم مالی بالا است، حذف نماید هرچند که می‌تواند به کاهش خطر طرف مقابل کمک کند. ولی قادر نیست ریسک اعتباری را به طور کامل کاهش دهد و ممکن است به آن ریسک، مخاطرات دیگری مانند ریسک حقوقی، ریسک عملیاتی و نقدینگی را نیز بیافزاید.

۴- گردآوری اطلاعات، شناسایی کافی مشتریان و تجزیه و تحلیل موسسات با اهرم مالی بالا.

هر بانکی که با موسسات با اهرم مالی بالا سر و کار دارد باید استانداردهای اعتباری "تعریف شده"ی را که مخاطرات مربوط به آن موسسات را مشخص می‌کنند به کار برد.

فرآیند موثر تصویب اعتبارات، اولین خط دفاعی بانک برای مقابله با ریسک اعتباری بیش از حد نسبت به طرف مقابل است. این فرآیند ممکن است الزامی کلی باشد ولی با اندازه و یا ریسک روابط با طرف مقابل اهمیت آن افزایش می‌یابد.

فرآیند موثر تصویب اعتبار برای موسسات با اهرم مالی بالا با دریافت اطلاعات جامع مالی و سایر اطلاعاتی که تصویر روشنی از وضعیت ریسک طرف مقابل و استانداردهای مدیریت ریسک ارائه می‌کنند، آغاز می‌شود. فرآیند اعتبار باید هدف و ساختار عملیاتی را که اعتبار، برای آن منظور مورد تایید قرار گرفته، مشخص کند و نیز بر پایه سناریوهای مختلفی که ناظر به آینده می‌باشند، توان بازپرداخت (موسسه) را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. استانداردهای اعتباری باید سیاست استفاده از اعتبار و ماهیت ترتیبات وثیقه‌ای و اجرای مواد پیش بینی شده برای حمایت از بانک‌ها در قراردادهای - مثل تضمین‌ها و مواد مربوط به خاتمه‌ها قرارداد (Close out) - را در صورت تغییر وضعیت آتی ریسک طرف مقابل تعیین نموده، از متدولوژی شفاف و فرآیندی برای تعیین حدود برخوردار باشند.

هر بانک، پیش از برقراری هر نوع رابطه جدید با موسسات با اهرم مالی بالا باید نسبت به طرف مقابل خود شناخت پیدا کند و اطمینان یابد که با موسسه‌ای معتبر و برخوردار از شهرت و وضعیت اعتباری مناسب سر و کار دارد. این اطمینان از راه‌های گوناگون مثل تحقیق از مراجع ذی‌ربط، طرف‌های شناخته‌شده، دسترسی به شرکت‌های ثبت‌کننده اعتبار، ارزیابی وضعیت حقوقی و شناخت اشخاص مسئول اداره موسسه، به عنوان مثال، از طریق کنترل سوابق شخصی و وضعیت مالی آن‌ها حاصل می‌شود.

بانک‌ها همچنین باید دیدگاه روشنی نسبت به ثبات موسسه دارای نسبت اهرمی بالا، نه فقط بر حسب عوامل ملموسی مثل درآمدهای موسسه بلکه بر پایه عوامل کمتر ملموس مانند استراتژی، کیفیت رویه‌های مدیریت ریسک و ترکیب کارکنان و بازده آن داشته‌باشند. البته هر بانک نباید صرفاً به این دلیل که طرف مقابل، یا عضوی از اعضای اصلی هیات مدیره آن برای بانک شناخته‌شده است یا تصور می‌شود که از شهرت بالایی برخوردار است به موسسه طرف مقابل خود اعتبار بدهد.

هر بانک پیش از برقراری روابط اعتباری با موسسات با اهرم مالی بالا، باید اطمینان حاصل کند که در محدوده زمانی لازم و به طور مستمر، کلیه اطلاعات موردنیاز در اختیارش قرار خواهد گرفت. به منظور کنترل مناسب ریسک اعتباری یا ارزیابی ضرورت بالقوه انجام تعدیلاتی که به شرایط قیمت ارتباط ندارد یا خاتمه بخشیدن به قرارداد، تصریح قید فوریت برای انتقال به موقع اطلاعات بستر لازم را فراهم می‌کند. بانک‌ها باید در صدد باشند درباره تحولاتی مانند تغییر جهت کلی فعالیت‌های تجاری، تغییرات مربوط به سود و زیان، تغییرات قابل ملاحظه در میزان اتکای موسسه به وام، اصلاحات مربوط به رویه‌ها یا فرآیند مدیریت ریسک و تغییر کارکنان کلیدی آن اطلاعاتی را کسب نمایند. بانک‌ها، به نوبه خود، باید به طرف مقابل خود که دارای اهرم مالی بالایی است اطمینان دهند که به منظور تامین امنیت اطلاعاتی که با هدف بررسی مستمر اعتباری موسسه دریافت می‌دارند روش‌های موثری برای محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات پیش‌بینی شده است. بانک‌ها باید اطلاعات مالی جامعی را درباره موسسات با اهرم مالی بالا کسب نمایند که در برگیرنده وضعیت‌های اقلام بالا و زیر خط ترازنامه بوده و امکان شناخت وضعیت کلی ریسک موسسه را فراهم کند.

تلاش بیشتری لازم است تا اندازه‌گیری موثری از میزان اتکای موسسه به وام به عمل آید و سرمایه را به مخرجی شامل ریسک اقلام بالا و زیرخط ترازنامه مرتبط نماید. نقطه شروع می‌تواند اندازه‌گیری گسترده‌ی ارزش در معرض خطر (VaR) در حالتی باشد که نتایج آزمون بحران واقعی به آن افزوده شده‌است. این، مهم است که در جایی که این اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد، بانک متغیرها و فرضیاتی را که برای اندازه‌گیری ریسک و اتکای به وام به کار می‌رود شناسایی کند تا وقفه زمانی بین نتایج آزمون بحران و ارزش در معرض خطر را کنترل کند. هر بانک باید شناخت درستی از کیفیت و کلیت فرآیندهای موسسه با اهرم مالی بالا و عملیات آن در رابطه با اندازه‌گیری، مدیریت و کنترل ریسک بازار، ریسک‌های اعتباری و نقدینگی از جمله سیستم‌های پشتیبانی، خط مشی‌های ارزش‌گذاری و حسابداری و روش‌ها داشته باشد. بانک‌ها باید به منظور رویارویی با افزایش احتمالی مطالبه و وثایق^۱ اتاق‌های تسویه و معامله‌گران برای تامین حد نصاب حساب‌های وثیقه^۲، در شرایطی که بازار وضعیت نامطلوبی دارد، درباره وضعیت نقدینگی موسسه با اهرم مالی بالا، مواردی مانند خطوط اعتباری تعهدشده، وجوه نقد موجود، دارایی‌هایی که در رهن قرار ندارند اطلاعاتی کسب نمایند و به طور ادواری تحت سناریوهای مختلف، موقعیت موسسه با اهرم مالی بالا را از نقطه‌نظر اینکه توان بازپرداخت آن با توجه به شرایط، قطعی است یا مثلاً به فرضیات خاصی وابسته است مورد تایید قرار دهند.

اطلاعات مالی جامع و جاری موسسات با اهرم مالی بالا برای تجزیه و تحلیل موثر کیفیت اعتباری طرف مقابل بانک و تعیین مخاطان رتبه اعتباری، و در نتیجه، برای تعیین حدود اعتباری و ارتقا دهنده‌های اعتباری آن ضروری است ارزیابی اعتباری موسسات با اهرم مالی بالا و مراقبت و کنترل مخاطرات طرف‌های مقابل مرتبط با آن پیچیده‌تر و زمان‌برتر از مدیریت اعتباری سایر طرف‌های مقابل رایج است. برای اختصاص منابع و به هنگام نمودن منظم اطلاعات و کنترل آن، مهارت بالا و اراده قوی

۱- زمانی که ارزش وثایق کاهش یابد برای پوشش اعتبار، وثایق اضافی درخواست می‌شود که اصطلاحاً "margin call" نامیده می‌شود.

2- Margin Account.

لازم است این کار هزینه بر است و بانکها باید این هزینه را به عنوان بخشی از اقدامات احتیاطی برای انجام معاملات با چنین موسساتی بپذیرند.

۵- اندازه‌گیری منابع در خطر

هر بانکی که عملیات اوراق مشتقه، با موسسات با اهرم مالی بالا را انجام می‌دهد باید اندازه‌گیری معنی‌دار منابع در معرض خطر اعتباری را گسترده‌تر نموده، آن را در فرآیند مدیریت تصمیم‌گیری وارد کند.

روش‌های اندازه‌گیری منابع در معرض خطر به همراه اطلاعات معنی‌داری که برای تصمیم‌گیری ارائه می‌شود بستر لازم را برای فرآیند مدیریت ریسک فعالیت‌های تجاری و اوراق مشتقه ایجاد می‌کند. این اندازه‌گیری مبنای موثری برای تعیین حد و مراقبت - مباحثی که در بخش چهارم به آن پرداخته می‌شود - به حساب می‌آیند. زمانی که فعالیت‌های تجاری و اوراق مشتقه بانکها در عین پیچیدگی گسترش می‌یابند و بانکها به سمتی می‌روند که بیشتر به فنون مدل‌سازی اعتباری گسترده شرکتی وابسته می‌شوند، بسیار حائز اهمیت است که اندازه‌گیری منابع در معرض خطر، براساس روش‌های معنی‌داری انجام شود که به تناسب شرایط بازار و رویه‌ها و نیازهای بانک به طور مداوم بهبود می‌یابند. هر بانک و صنعت باید تلاش خود را به ویژه به سه حوزه زیر معطوف نماید:

- گسترش اندازه‌گیری‌های مفیدتر منابع بالقوه آتی در معرض خطر (PFE)^۱ که محاسبه معنی‌داری از حد کلی فعالیت بانک با هر طرف مقابل مشخص ارائه می‌کند.
- اندازه‌گیری موثر منابع در معرض خطر تضمین‌نشده در قالب عملیات اوراق مشتقه در بازارهای غیر رسمی (OTC) که مشمول وثیقه‌گیری^۲ روزانه است.

1 - Potential Future Exposure.

2 - margining.

- آزمون بحران واقعی و به موقع منابع در معرض خطر اعتباری طرف مقابل.

اول، صنعت بانکداری باید منابع بیشتری را برای اندازه‌گیری معنی‌دار منابع بالقوه آتی در معرض خطر اختصاص دهد. بانک‌ها عموماً کل اکسپوزر نسبت به یک طرف تجاری را به صورت حاصل جمع هزینه جاری جانشینی¹ (منابع در معرض خطر به قیمت روز) و منابع بالقوه آتی در معرض خطر اندازه‌گیری می‌کنند. منابع بالقوه آتی در معرض خطر معیاری است برای اینکه بررسی شود هر قرارداد طی دوره زمانی تعریف‌شده (به عنوان مثال طی عمر قرارداد)، در چه سطح اطمینان معینی قابلیت اجرا و تبدیل شدن به پول را دارد که این حاصل جمع به منظور یکپارچه نمودن منابع در معرض خطر طرف مقابل در تمامی محصولات و ابزارها برای تبدیل قراردادهای ابزارهای مشتقه به مبالغ "معادل وام" کاربری می‌یابد.

بانک‌ها باید اندازه‌گیری موثری از منابع بالقوه در معرض خطر به عمل آورند تا به کمک آن، به نسبت کل فعالیت‌هایشان، تصویر دقیقی از حد مبادلاتشان با یک طرف تجاری مشخص به دست آورند. بیشینه منابع در معرض خطر باید تعیین شود تا به عنوان معیاری واقعی برای معادل‌های وام استفاده شود. منابع بالقوه آتی در معرض خطر باید در خالص‌سازی وضعیت‌های مازاد و کسری²، همچنین اثرات پرتفوی در تمامی محصولات، عوامل ریسک و سررسیدها در نظر گرفته شوند و برای افق‌های زمانی چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. بانک‌ها باید در صدد باشند در صنعت بانکداری برای دستیابی به سطح اطمینان مناسب، مفهوم ناپایداری³ و محاسبه دوره زمانی آن و تعداد دفعاتی که ناپایداری‌ها به هنگام می‌شوند در سطح گسترده‌تری به تفاهم دست یابند و باید این نوع اندازه‌گیری پیشرفته منابع بالقوه آتی در معرض خطر یعنی کنترل مستمر منابع در معرض خطر به قیمت روز بازار در برابر تخمین‌های اولیه منابع مذکور را در فرآیند مدیریت

1 - Current Replacement Cost.

2 - Long and Short Positions.

3 - Volatility.

تصمیم‌گیری خود وارد کنند. آن‌ها باید این اندازه‌گیری را انجام دهند تا توان مالی طرف‌های مقابلشان را برای پاسخگویی به مطالبات اتاق‌های تسویه و معامله‌گران - آن طور که لازمه منابع بالقوه آتی در معرض خطر آنها است - ارزیابی کنند.

دوم، بانک‌ها باید روش موثری را برای ارزیابی مخاطرات تضمین‌نشده در قالب ابزارهای مشتقه به وثیقه گرفته‌شده گسترش دهند. منابع در معرض خطر در قالب‌های متنوعی پدید می‌آید که برای نمونه می‌توان به انواع ذیل اشاره کرد:

از دست دادن حداقل مبلغ اولیه، تاخیر در پرداخت مبلغ وثیقه، تاخیر در فرآیند وثیقه‌گیری یا وجود وقفه بالقوه در زمانی که برای نقد کردن وثیقه و بازگشت به وضعیت‌های قبلی در صورت عدم ایفای تعهد توسط طرف مقابل لازم است حتی در معاملات بین بانکی روزانه که مشمول دریافت و پرداخت وثیقه متغیر (شامل وثیقه اولیه) هستند، نیز ممکن است بانک به دلیل نوسانات موجود در بازار با ریسک قابل توجهی مواجه شود.

در حال حاضر در صنعت بانکداری هیچ نوع همگرایی مشخصی درباره چگونگی اندازه‌گیری این نوع منابع مخاطره‌آمیز که فاقد تضمین هستند، وجود ندارد. بسیاری از بانک‌ها فقط، نوعاً طی دوره قرارداد، منابع بالقوه آتی در معرض خطر خود را اندازه‌گیری می‌کنند که آن هم برای اندازه‌گیری کلی فعالیت بانک، با یک طرف مقابل معین مناسب است ولی روش معنی‌داری در رابطه با ریسک اعتباری موجود در ابزارهای مشتقه فاقد تضمین به حساب نمی‌آید. برای پوشش منابع در معرض خطر نسبت به یک طرف مقابل، ناشی از مهلت لازم برای نقد شدن وثیقه یا برقراری تعادل در وضعیت‌ها یا شناسایی ارزش وثیقه در صورت نرسیدن به حد نصاب لازم، افق‌های زمانی کوتاه‌تری موردنیاز است.

سوم، در شرایط ناپایداری بازار، بانک‌ها باید با کمک گسترش و اجرای آزمون‌های بحران به موقع و با وقفه طرف مقابل، ارزیابی معنی‌دارتری نسبت به منابع در

معرض خطر اعتباری به عمل آورند. علاوه بر این، آزمون بحران باید تاثیر تحرکات قابل توجه بازار منابع در معرض خطر اعتباری را نسبت به طرف مقابل و اثرات نقدشوندگی آنها، تاثیرات نقدینگی بر بازار مربوط و وضعیت‌ها و اثرات آن بر ارزش وثایق در رهن را مدنظر قرار دهد. با اعمال سطوح اطمینان بالاتر یا دوره‌های زمانی بلندمدت صرف، به ویژه به این دلیل که تحت شرایط نابسامان بازار، آنها به تعامل بین ریسک‌های بازار، اعتباری و نقدینگی ارتباط می‌یابند، نمی‌توان بر پویایی منابع در معرض خطر و بازار چیره شد.

۶- تعیین حدود

تعیین حد موثر به وجود روش‌های اندازه‌گیری معنی‌دار منابع در معرض خطر بستگی دارد. بانک‌ها، به ویژه باید با روشی قابل قیاس و معنی‌دار برای هر یک از طرف‌های مقابل خود، حد اعتباری کلی که حاصل جمع انواع گوناگون منابع در معرض خطر آنهاست تعیین کنند.

اندازه‌گیری موثر منابع در معرض خطر بالقوه آتی برای تعیین حدود معنی‌دار، تعیین بالاترین حد برای حوزه کلی فعالیت با طرف مقابل و یا برای مخاطرات نسبت به یک طرف مقابل مشخص، بر مبنایی قیاس‌پذیر و در سطح فعالیت‌های مختلف بانک (اعم از اقلام بالا و زیر خط ترازنامه) ضروری است. منابع در معرض خطر به قیمت روز بازار باید نسبت به حدود اولیه منابع آتی در معرض خطر تحت مراقبت قرار گیرند.

بانک‌ها باید منابع در معرض خطر واقعی را نسبت به حدود اولیه کنترل کنند و رویه شفاف‌تری برای کاهش و رسانیدن آن به حد نصاب داشته باشند. با این وجود، به طور کلی، رعایت حدود باید الزامی باشد و بنا به تقاضای مشتری نادیده گرفته نشود. ساختار حدود بانک باید انواع منابع در معرض خطری را که در بخش پنجم به آن اشاره می‌گردد، در بر گیرد.

علاوه بر این، حدود اعتباری بانک‌ها باید تعیین شده، مخاطرات مربوط به تسویه

ابزارهای مشتقه را در کوتاه مدت و در صورت عدم ایفای تعهدات طرف مقابل منعکس کنند. در موقعیتی که بانک با یک طرف تجاری، معاملات متعددی را انجام می‌دهد، منابع بالقوه در معرض خطر بانک نسبت به آن طرف مقابل، احتمالاً تا سررسیدی که مبنای محاسبه قرار می‌گیرد، به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت و دارای گسست می‌باشد. بنابراین، منابع بالقوه آتی در معرض خطر باید طی افق‌های زمانی چندگانه محاسبه شوند. در رابطه با مخاطرات ابزارهای مشتقه دارای وثیقه (OTC)، حدود، باید تحت سناریوی تسویه در گروه منابع در معرض خطر فاقد وثیقه بررسی شوند. از این رو، مبلغی که یک بانک طی زمان متضرر می‌شود مربوط به مدت زمانی است که برای برقراری توازن بین وضعیت‌ها و وثیقه نقد مورد نیاز است (بدون احتساب هرگونه وثیقه اولیه دریافتی).

لازم است بانک‌ها نهایتاً نتایج آزمون بحران را برای تعیین حدود و فرآیند مراقبت از آن‌ها منظور کنند.

۷- وثیقه، خاتمه زودتر از موعد و سایر مواد قرارداد

هر بانک باید در تعامل با موسسات با اهرم مالی بالا، هنگام برقراری تعادل، بین کیفیت اعتباری آن‌ها و وثیقه دریافتی و نیز خاتمه زودتر از موعد قرارداد و دیگر مواد قرارداد، ویژگی‌های خاص این گونه موسسات را مثل توانمندی آن‌ها برای تغییر سریع استراتژی‌های تجاری، وضعیت‌های ریسک و بدهی آن‌ها را مدنظر قرار دهد. به این ترتیب، بانک‌ها خواهند توانست نسبت به روشی که براساس آن، مفاد این گونه مواد صرفاً از خالص ارزش دارایی‌های موسسه استنتاج می‌شود، ریسک اعتباری را به طور پیشگیرانه‌تری کنترل کنند.

سیاست‌های بانک باید مواد قراردادی را که روابط با موسسات با اهرم مالی بالا را مدیریت می‌کند تعیین نمایند. این ترتیبات قراردادی، همراه با ساختار حدود داخلی بانک است که مقدار منابع اعتباری بدون وثیقه‌ای را که می‌تواند مورد قبول بانک قرار گیرد

تعیین می‌کنند. در بعضی از بخش‌های بازار، به جای قیمت‌گذاری، انواع ترتیبات وثیقه‌ای و قراردادهایی که به طرف مقابل پیشنهاد می‌شوند، ابزار اصلی جبران ریسک را تشکیل می‌دهد. بنابراین، مهم است که شرایط مندرج در قرارداد به طور تنگاتنگ با کیفیت اعتباری طرف مقابل مرتبط باشد.

وثیقه‌گیری به طور قابل ملاحظه‌ای ریسک‌های اعتباری طرف مقابل را کاهش می‌دهد. بانک‌ها از مواد وثیقه در وام‌های تضمین شده قراردادهای بازخرید و معاملات ابزارهای مشتقه در بازارهای غیر رسمی استفاده می‌کنند. این موارد، معاملاتی را که منابع بالقوه در معرض خطر با عدم اطمینان بالایی مواجه است و نیز معاملات با طرف‌های مقابل با کیفیت اعتباری پایین‌تر را در بر می‌گیرد. با این وجود، وثیقه‌گیری، ریسک اعتباری را حذف نمی‌کند و می‌تواند ریسک‌های دیگری مثل ریسک نقدینگی، حقوقی، عملیاتی و نیز ریسک ضبط وثیقه را در پی داشته باشد. علاوه بر این، مفاد مواد مربوط به وثیقه‌گیری دو جانبه می‌تواند انواع دیگر ریسک اعتباری را افزایش دهد. زمانی که بانک وثیقه‌ای را به منظور منابع در معرض خطری که آینده‌ی نامطلوبی را برای آن پیش‌بینی می‌کند، دریافت داشته است و ارزش این منابع در زمان عدم ایفای تعهدات توسط طرف مقابل، از ارزش بازاری وثیقه بیشتر شود بانک با زیان مواجه می‌شود.

برای تعیین مفاد مواد مربوط به وثیقه در قرارداد، بانک‌ها باید به این موضوع توجه داشته باشند که موسسات با اهرم مالی بالا، موسسات مالی هستند که تحت نظارت قرار نداشته و نسبت بدهی آن‌ها از طریق رویه‌های مدیریت ریسک رایج نظارت احتیاطی محدود نمی‌گردد و تابع الزامات سرمایه‌ای واسطه‌های مالی تحت نظارت نیز نمی‌باشند. بانک، اگر اطلاعات مالی معنی‌داری را به طور ادواری و مرتب دریافت نکند تا به کمک آن مراقبت موثری را از ریسک اعتباری طرف مقابل خود به عمل آورد باید موسسه طرف مقابل را ملزم کند، حتی در زمانی که نسبت به آن، منابع در معرض خطر جاری ندارد،

وثیقه اضافی پرداخت کند (مثل وثیقه‌ای^۱ که توسط اتاق‌های تسویه دریافت می‌شود). حداقل اقدامی که بانک باید انجام دهد طراحی و اجرای دستورالعمل‌های شفاف داخلی برای تعیین مواردی است که دریافت هزینه اضافی از طرف‌های مقابل ضرورت دارد. سیاست‌های مشابه احتیاطی، باید حداقل مبلغ قابل انتقال (حداقل وثیقه‌ای است که طرف مقابل در صورت کاهش مقدار آن، مجاز نیست وثیقه را منتقل کند) و آستانه دریافت وثیقه برای منابع در معرض خطر (مقدار منابع در معرض خطری که برای کمتر از آن هیچ وثیقه‌ای دریافت نمی‌شود) را معین نماید. به همین ترتیب، پرداخت‌های دو سویه بابت هزینه‌های اضافی و حقوق و شرایط مربوط به وثیقه‌گیری مجدد از مواردی است که می‌بایست هنگام بررسی کیفیت اعتباری طرف مقابل مورد توجه قرار گیرد. اگر بانک‌ها با این‌گونه مواد وثیقه دو سویه در قرارداد موافقت نمایند باید اطمینان حاصل کنند که منابع اضافی در معرض ریسک اعتباری ناشی از آن‌ها، در فرآیند کلی مدیریت ریسک تلفیق گردد (از جمله اندازه‌گیری منابع بالقوه آتی در معرض ریسک).

مواد قرارداد از طریق کاهش ارزش وثایق نسبت به قیمت جاری آن‌ها، باید استانداردهای اعتباری مربوط به تعدیلات انجام شده در ارزش^۲ اوراق بهاداری که به عنوان وثیقه پذیرفته می‌شوند، را منعکس کند. بانک‌ها معمولاً اندازه تعدیلات ارزش مربوط به ناپایداری قیمت اوراق بهادار، در زمانی که آن‌ها مجبور هستند اوراق را در صورت عدم ایفای تعهد طرف مقابل خود (در شرایط عادی بازار)، نقد نمایند، مینا قرار می‌دهند.

چنانکه بانک‌ها از موسسات با اهرم مالی بالا، وثیقه قبول کنند باید به دقت همبستگی بین احتمال عدم ایفای تعهدات طرف مقابل و این احتمال را که ارزش وثیقه به

1 - Initial Margin.

وثیقه‌ای است که اتاق‌های تسویه، خریداران و فروشندگان در معاملات سلف را ملزم به تامین آن می‌نمایند.

2 - Haircut.

دلیل تحولات بازار، نقدینگی و اعتباری کاهش یابد مورد ارزیابی قرار دهند. تجربه نشان داده است که در شرایط پر تنش بازار نه همه، ولی بیشتر اوراق با قابلیت نقدشوندگی، منتشره توسط با کیفیت ترین ناشرین، به دلیل کاهش گسترده کیفیت اعتباری، هنگام عدم ایفای تعهدات موسسات مهم با اهرم مالی بالا و یا پیش از آن، با تنزل کیفیت مواجه می‌شوند.

در صورتی که ارزش وثیقه با احتمال عدم ایفای تعهدات توسط طرف مقابل یا ارزش بازاری قرارداد دارای همبستگی باشد، در رابطه با معاملات ابزارهای مشتقه خارج از بازار بورس، بانکها باید توجه داشته باشند اثربخشی مواد مربوط به وثایق که با هدف پوشش ریسک اعتباری منابع در معرض خطر طرف مقابل، در قرارداد قید می‌گردد، می‌تواند کاهش یابد. در بازارهای پرتنش، حجم قابل ملاحظه‌ای از وثایق اضافی موسسه با اهرم مالی بالا و دارای پرتفوی متمرکز واگذار می‌شود. در این گونه موارد لازم است با مستندسازی شفاف، اقداماتی که انجام آن‌ها برای مطالبه وثیقه در زمان عدم ایفای تعهد توسط طرف مقابل ضروری است، مشخص گردد.

علاوه بر این، بانکها باید قراردادهایی را که در صورت وخامت جدی وضعیت اعتباری یک موسسه با اهرم مالی بالا یا سایر اقدامات به فسخ آن منجر می‌شوند جزء مستندات لازم قلمداد نمایند. کاربرد و هدف مفاد مواد مربوط به فسخ قرارداد یا موادی که در رابطه با نحوه خاتمه بخشیدن به قرارداد (Close out) است می‌بایست کیفیت اعتباری طرف مقابل و توانایی بانک برای درک تغییرات (چشم‌انداز تحولات)، وضعیت اعتباری و واکنش سریع نسبت به هرگونه تحولات نامطلوب باشد. در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا، ممکن است اطلاعاتی که در دسترس همگان قرار دارد، در حد کفایت به هنگام نشده باشد تا به کمک آن امکان مراقبت مستمر از وضعیت اعتباری موسسات مذکور فراهم شود. بانک باید معیارهای کافی را برای افشای اطلاعات در دوره زمانی که با موسسه دارای ارتباط اعتباری است تعیین کند و باید در مورد فسخ قرارداد با توجه به وضعیت ریسک طرف مقابل موادی را پیش‌بینی کند به نحوی که به کمک آن در زمان مناسب و به موقع بتواند اقدامات لازم را برای کاهش ریسک به عمل آورد.

رویه استاندارد بانکها در رابطه با اعتبارات شرکتی رایج، تعیین دامنه‌ای از تعهدات به تناسب توان مالی شرکتها است. در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا یک قرارداد تمام عیار، به ویژه تغییرات قابل ملاحظه در استراتژی موسسه یا تمرکز اهرمی یا ریسک را در نظر می‌گیرد. به دلیل مشکلات فرا رو برای اندازه‌گیری سطوح مطلق بعضی از این متغیرها، قراردادها باید بر حسب تغییرات، نسبت به سطوح موجود در زمان آغاز رابطه اعتباری و براساس تعاریف پذیرفته شده ریسک و سرمایه مشخص شوند. البته این قراردادها باید با این نگرش تنظیم شوند که حدود اعتباری را زمانی که ریسک طرف مقابل افزایش می‌یابد محدودتر نمایند. بانکها باید متوجه باشند که استفاده گسترده از موارد مربوط به فسخ ناگهانی قرارداد می‌تواند الزامات سیستمی را هم در بر داشته باشد. اگر این مواد بر حدی که موسسات با اهرم مالی در آینده ریسک می‌پذیرند تاثیرگذار نباشد کاهش ریسک اعتباری مورد نظر تحقق نمی‌یابد و ممکن است تمامی وام‌دهندگان به طور هم زمان شرایط اعتباری خود را سختگیرانه نمایند.

مفاد تعهدات باید اطمینان ایجاد کند که بانکها به تحولات نامطلوب مالی آگاه بوده و از توان لازم برای اعمال فشار برای تعدیل قبل از آن - زمانی که قطع روابط مناسب باشد - برخوردارند. این جنبه پیشگیرانه، هر زمان که تغییرات نامطلوب رخ می‌دهد به همان اندازه توانمندی برای الزام به بازپرداخت ضروری است.

۸- مراقبت مستمر وضعیت‌ها در رویایی با موسسات با اهرم مالی بالا

بانگی که با موسسه با اهرم مالی بالا روابط کاری دارد باید وضعیت اعتباری موسسه مذکور و تحولات مربوط به منابع در معرض خطرش نسبت به آن را تحت مراقبت قرار دهد. بانکها باید در عین حال که ظرفیت و توان آن موسسه را در شرایط پر تنش و بحرانی بازار در نظر می‌گیرند باید وضعیت ریسکها و نیز توان مدیریت ریسک آن را به طور متناوب مورد بررسی قرار دهند.

بانک‌ها، با توجه به سرعتی که موسسات با اهرم مالی بالا برای تغییر در وضعیت ریسک خود از آن برخوردار هستند، باید کیفیت اعتباری منابع حائز اهمیت در معرض خطر خود نسبت به موسسات مذکور را به طور دوره‌ای - حداقل سه ماهه - تحت بررسی قرار دهند.

بازنگری‌های بیشتر باید زمانی انجام شود که منابع در معرض خطر به طور قابل توجهی افزایش می‌یابند یا وضعیت بازار، ناپایدار و بحرانی است. در رابطه با موسسات با اهرم مالی بالا، ابزارهای اثربخش کنترلی باید از تغییرات ماهانه خالص ارزش دارایی‌ها و اندازه‌های ناخالص ترازنامه فراتر رفته، جزئیات اطلاعات کمی درباره ریسک به عنوان مثال، ارقام ارزش در معرض خطر به انضمام نتایج آزمون‌های بحران داخلی را شامل شود. بانک‌ها باید ظرفیت‌های مدیریت ریسک موسسات با اهرم مالی بالا را به طور منظم بررسی کنند. علاوه بر این، بانک‌ها باید از تمرکزهای ریسک، از جمله منابع در معرض خطر خود نسبت به موسسات با اهرم مالی بالا به عنوان یک گروه و نیز ریسک تمرکزی که موسسات با اهرم مالی بالا خود، با آن مواجهند، شناخت مناسبی بدست آورند.

وجود سیستم‌های اثربخش مدیریت وثیقه برای کنترل و محدود نمودن منابع در معرض خطر طرف مقابل دارای اهمیت است. بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که سیستم‌های مدیریت وثیقه تمامی وضعیت‌های طرف مقابل را در بر می‌گیرد و نیز چنین وضعیت‌ها و وثایق مربوط به آن حداقل به طور روزانه به قیمت بازار ارزش گذاری می‌شوند و دریافت و پرداخت (بیشتر) وثیقه به موقع انجام می‌شود. تعدیل ارزش وثایق، در مورد انواع مختلف اوراق بهاداری که به عنوان وثیقه پذیرفته می‌شوند باید ضمن منظور کردن ناپایداری‌های قیمت، نقدینگی و تغییرات کیفیت اعتبار، به طور منظم مورد تجدیدنظر قرار گیرد. زمانی که بانک‌ها در صدد هستند از طریق وثیقه‌گیری به موقع، ریسک اعتباری حاصل از وضعیت‌های ابزارهای مشتقه در بازارهای غیر رسمی را محدود نمایند، باید آن بخش از منابع در معرض خطر را که فاقد وثیقه هستند (از جمله منابع بالقوه آتی در معرض خطر) به دقت تحت مراقبت

قرار دهند و توانایی طرف مقابل برای تامین وثایق درخواستی آتی خود را بررسی نمایند. از آن جا که منابع در معرض خطر ناشی از ابزارهای مشتقه در بازارهای غیر رسمی، اغلب، بخش بزرگی از کل منابع در معرض خطر بانک نسبت به موسسات با اهرم مالی بالا را تشکیل می‌دهد، ارزیابی توان موسسات مذکور برای ارائه وثایق اضافی، زمانی که لازم است و تعیین حدود اعتباری براساس چنین ارزیابی‌هایی به ویژه، در تعامل با موسسات مورد بحث از اهمیت برخوردار است.

در نهایت، مراقبت مستمر از منابع در معرض خطر باید نتایج دوره‌ای آزمون بحران منابع در معرض خطر طرف مقابل، که در ضمن، تعامل بین مخاطرات بازار، اعتباری و نقدینگی را در بر می‌گیرد، مدنظر قرار دهد. نتایج چنین آزمون‌های بحرانی باید در گزارش‌های مدیریت ارشد منعکس شده و در صورت لزوم، اطلاعات کافی را با هدف انجام اقدامات برای کاهش ریسک ارائه نماید.

ماخذ:

Sound Practices for Bank's Interactions with Highly Leveraged Institutions, Basel Committee on Banking Supervision, Jan. 1999.

استفاده از مطالب این مجموعه با ذکر ماخذ بلامانع است.